

تحلیل اخلاقی امید با تأکید بر آیات قرآن کریم

زهرا محقیبان*

اعظم پرچم**

چکیده

امید به آدمی، شادابی، حیات و پویایی می‌بخشد. شادابی تن به شادابی دل وابسته است و شادابی دل در امید ریشه دارد. در این نوشتار به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از آیات و روایات، ضمن بیان مفهوم‌شناسی امید و شناسایی انواع آن، با توجه به شاخصه‌های امید حقیقی و جایگاه آن در اخلاقیات فردی و اجتماعی به تحلیل اخلاقی سیمای پسندیده امید در قرآن کریم پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن‌اند که چون در جهان‌بینی توحیدی، امید در راستای تکامل و کمالات اخلاقی انسان است و این تکامل از منظر قرآن، به سوی خلیفه الهی در جریان است، (بقره / ۳۰) توجه به این فضیلت اخلاقی عامل آرامش و استحکام او در برابر ناملازمات می‌باشد.

واژگان کلیدی

قرآن، اخلاق، امید، ایمان، هدف.

z.mohaghegh89@yahoo.com

a.parcham88@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۲۵

*. کارشناسی ارشد الهیات دانشگاه اصفهان.

** استادیار گروه الهیات دانشگاه اصفهان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۵/۷

طرح مسئله

بشر به‌طور طبیعی در طول زندگی در این جهان با نگرانی‌ها و اضطراب‌های بسیاری روبرو بوده، همواره در جهت از میان بردن عوامل پیدایش و پیروزی بر آنها کوشیده است. یکی از اهداف پیدایش مجموعه بزرگ اختراعات و اکتشافات بشر نیز، القای روح امید در زندگی و مبارزه با ناامیدی و افسردگی بوده است. به‌طور کلی، امید سرمایه اصلی حیات آدمی است. آن‌که امید به آینده دارد، احساس می‌کند همه چیز دارد. خوشبختی واقعی و سعادت جاودان در مطلوب اندیشی و امید به آینده خلاصه می‌شود و آن‌که از امید به آینده، بهره‌ای ندارد با ناامنی روانی، دغدغه خاطر و وسوسه‌های فزون‌خواهانه، در اوج قدرت مادی نیز، هیچ ندارد!

از سویی دیگر ما همچنان‌که به ثبات و پایداری قانون تطور معتقدیم، باید به پایداری یک دسته از معانی و مفاهیم خاص در جهان نیز ایمان داشته باشیم و آن را جاوید و ازلی بدانیم. این اصول ثابت، قوانین فضیلت و اخلاق‌اند که براساس حکم عقل سلیم به پیروی از آن ناگزیریم و موظفیم سیر حیات را در سایه اجرای مقررات آن ادامه دهیم. اما اجرای اصول اخلاقی مستلزم تحمل یک سلسله ناگواری‌ها و محرومیت‌هاست و در موارد بسیاری میان تمایلات انسان و آن اصول، تضاد پدید می‌آید که ارضای آنها با نقض مقررات اخلاقی امکان‌پذیر می‌گردد. از این‌رو، تربیت بدون پشتوانه معنوی، توان رفع ضربات شکننده‌گرایی را نداشته، بدون اتکا به اصول اخلاقی و معنوی، خیلی زود زیر فشار تمایلات سقوط خواهد کرد؛ زیرا چنین نیروی تربیتی‌ای آنچنان راسخ و پایدار نیست که بتواند در همه حال، شخص را برخلاف مجرای انگیزه‌هایش پیش برد. به همین دلیل ایمان مذهبی مهم‌ترین ضامن اجرای اصول انسانی و بزرگ‌ترین پشتوانه فضائل اخلاقی است که در صحنه مبارزه با احساسات و غرایز، انسان را بیمه می‌کند (موسوی لاری، ۱۳۸۶: ۱۴ - ۱۳) و در پرتوی القای روح امید در آدمی، چنان آرامشی بر زندگی او حاکم می‌نماید که نه‌تنها در برابر ناملايمات صبر و مقاومت می‌کند، با غلبه بر احساس یأس و ناامیدی برای رسیدن به آینده‌ای بهتر، بیش‌ازپیش می‌کوشد. در همین راستا پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که امید در منابع

دینی، تا چه اندازه تأثیرگذار و یا متأثر از قوانین اخلاق و فضائل اخلاقی است؛ و چه جایگاهی در میان قوانین اخلاق و فضائل اخلاقی دارد؟

الف) مفهوم‌شناسی امید

براساس کتابچه آکسفورد^۱ (۲۰۰۳)، واژه امید به دو معناست: ۱. امنیت^۲ و توکل^۳، ۲. آرزو^۴ و اعتقادی که امکان دستیابی بدان وجود دارد. (بهاری، ۱۳۹۰: ۱۴؛ به نقل از آکسفورد، ۲۰۰۳؛ ذیل مدخل hope) در فرهنگ‌نامه رندم‌هاوس^۵ نیز، امید به انتظار مثبت فعال و مداوم برای تعقیب در جهت یک شایستگی مطلوب معقول تعریف شده است. (بهاری، ۱۳۹۰: ۱۴؛ به نقل از: رندم‌هاوس، ۲۰۰۵؛ ذیل مدخل hope) دانشنامه معاصر هزاره نیز، امید را آرزو و انتظار چیزی که مایه دلگرمی آدمی است، معنا کرده است. (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۸۷؛ ذیل مدخل hope) در فرهنگ فارسی معمولاً امید و آرزو در کنار هم به کار می‌روند. (فرهنگ عمید، ۱۳۸۷؛ ذیل مدخل امید) هر امیدواری با آرزویی همراه است اما هر آرزویی، امیدواری به همراه ندارد؛ چراکه آرزو دارای بُعد خیال‌انگیز است و بیشتر به مفهوم خیال‌پردازی گره می‌خورد تا با مفهوم امید. (بهاری، ۱۳۹۰: ۷) بنابراین فرهنگ لغت، بستر امید را تمایل به تکمیل چیزی با ارزش با احتمال واقعی تحقق همراه با تداوم انتظار وقوع آن، تعریف می‌کند. (همان: ۸)

این واژه در روان‌شناسی هم مورد توجه بوده است؛ در طول دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ روان‌پزشکان و روان‌شناسان، امید را تحت عنوان کلی انتظار مثبت برای دست‌یافتن به هدف مطالعه می‌کردند. (همان: ۱۰، به نقل از: مینینجر و استوتلند، ۱۹۶۹) و از این میان، اسنایدر^۶ بنیان‌گذار نظریه امید در روان‌شناسی، معتقد است، امید فرایندی است که طی آن افراد اهداف

1. Oxford.
2. Security.
3. Trust.
4. Wish.
5. The Random House.
6. Snyder.

خود را تعیین می‌کنند، راهکارهایی برای رسیدن به آن اهداف می‌سازند و انگیزه لازم برای به اجرا در آوردن این راهکارها ایجاد کرده، آن را در طول مسیر حفظ می‌کنند. (کار، ۱۳۸۵: ۴۸؛ به نقل از: اسنایدر، ۱۹۹۵ - ۱۹۹۴)

در زبان عربی، امید مترادف با «رجاء» است که در قرآن کریم، ۲۸ بار همراه با ریشه و مشتقاتش، در ۲۷ آیه و ۲۱ سوره به کار رفته است. معنای لغوی «رجاء» امید داشتن، و در اصطلاح انتظار امر محبوبی است که بیشتر اسباب و موجبات آن، محقق باشد. (فراهیدی، ۱۴۱۰؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴؛ ذیل ریشه کلمه)

اما مفهوم امید در قرآن کریم، از مفاهیم کلیدی است که بارها به شیوه‌های مختلف، بیان گردیده است؛ به‌گونه‌ای که با توجه به آیات امیدآفرین قرآن، این کتاب مقدس را، با توجه به نام‌های مبارکی که بر آن نهاده‌اند، کتاب امید نیز می‌توان نامید. به‌طور کلی مفهوم امید (در لایه مثبت و منفی) در قرآن کریم، از راه کلیدواژه‌های زیر قابل پی‌گیری است که در ادامه به توضیح مختصری از هریک اکتفا می‌کنیم:

رجا: انتظار امری محبوب و پسندیده است که بیشتر اسباب آن محقق باشد.

طمع: تمایل نفس از روی حرص، آرزوی شدید و آزمندی به چیزی که خارج از دسترس انسان باشد.

أمل: آرزویی که انتظاری طولانی در آن وجود دارد، یعنی امکان حصول و دستیابی به آن دور است.

تمنی: میل به حصول هدفی مطلوب همراه با تقدیر و اندازه‌گیری آن. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ابو فارس، ۱۳۴۹؛ مصطفوی، ۱۳۶۰؛ طریحی، ۱۴۰۸؛ فراهیدی، ۱۴۱۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲؛ ذیل ریشه کلمه)

از میان واژگان فوق، تنها در واژه «رجا» فرد امیدوار در راه رسیدن به امیدش می‌کوشد و زمینه‌های رسیدن به مطلوب را فراهم می‌نماید، در صورتی که در سه واژه دیگر، فرد، بدون اینکه خود را برای حصول به مطلوب آماده و مهیا گرداند، به رسیدن به آن امیدوار است. (طیب، ۱۳۷۸: ۵ / ۳۴۴) برخی نیز، معتقدند واژه «رجا» با شک و گمان همراه است؛ بدین معنا

که چنین امیدی، به دلیل وجود شک و تردید با ترس همراه است. علت وجود رجا و امیدواری نیز، کرم مرَجُوّ یا عللی است که به او برمی‌گردد. درحقیقت، رجا دارای سبب و علت است. اما واژگان (طمع) و (تمنی) به معنای امید داشتن برای رسیدن به مطلوب بدون وجود هیچ علت و سببی است، به همین دلیل مذموم و ناپسندند. (العسکری، ۱۳۵۳: ۲۰۳) البته برخی امید را به معنای ترس، توقع، انتظار و شوق نیز می‌دانند. (طریحی، ۱۳۷۵: ذیل ریشه رَجی) شاید بتوان گفت، این معنای به لوازم معنای امید و یا به بخشی از آن اشاره می‌کنند، نه معنای حقیقی واژه؛ زیرا، از آنجا که ممکن است همواره ترس و نگرانی از عدم تحقق متعلق امید وجود داشته باشد، امید را به ترس و خوف نیز، معنا کرده‌اند. (ابوفارس، ۱۴۰۴: ذیل ریشه کلمه) به دلیل مسرت‌بخش بودن متعلق امید، و اشتیاق طبیعی شخص امیدوار به مطلوب و ایجاد حالت انتظار و توقع در او، آن را به توقع و شوق و انتظار معنا کرده‌اند. به هر حال، از کاربرد واژه می‌توان فهمید که امید، آرزوی بهبود اوضاع در زمانی است که ترس از عدم تحقق آن وجود دارد. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ذیل ریشه کلمه)

در اصطلاح علم اخلاق نیز، امید، حالت راحتی و لذتی است که از انتظار تحقق مطلوب، در قلب حاصل می‌شود. (نراقی، ۱۳۶۱: ۱۴۹) این سرور و انبساط وقتی رجا یا حقیقی است که آدمی بسیاری از اسباب رسیدن به محبوب را فراهم نماید و الا توقع چیزی بدون تهیه اسباب آن، غرور و حماقت است، نه رجا؛ (موسوی لاری، ۱۳۸۶: ۴۳۶؛ نیلی‌پور، ۱۳۸۵: ۲۳۷) و تنها چنین امیدی است که در علم اخلاق، از صفات پسندیده شمرده می‌شود و همراه با خوف می‌آید تا بدین وسیله دو نیروی خوف و رجا، که عامل اصلی تکامل‌اند، یکسان برانگیخته شوند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۰۳) امام علی علیه السلام می‌فرماید:

چنان از خدا بترس که گویی اگر طاعات همه اهل زمین را داشته باشی، از تو قبول نخواهد کرد و چنان به او امیدوار باش که گویی اگر همه گناهان زمینیان را کرده باشی، تو را خواهد آمرزید. (عطایی، ۱۳۶۹: ۱۱۴)

غزالی در *احیاء العلوم* می‌نویسد:

شایسته است که بنده به کرم و بزرگواری خداوند گمان نیکو داشته باشد، ولی

تمنای بی‌جای مغفرت حرام است. فرق میان آنها این است که گمان نیکو پس از توبه و انجام کارهای نیک است و تمنا و آرزو آن است که آرزوی مغفرت در کار باشد، اما توبه و نیکوکاری نباشد. (نراقی، ۱۳۶۱: ۱۵۲)

«یأس» در مقابل رجا قرار دارد و در مذمت آن همین بس که گفته‌اند این صفت آدمی را از محبت خدا که ریشه تمامی فضائل و بالاترین آنهاست، بازمی‌دارد. (الله‌وردیخانی، ۱۳۸۴: ۲ / ۱۰۰) با بررسی آیات مشتعل بر واژگان امید، می‌توان بدین نکته دست یافت که متعلقات اصلی امید از منظر قرآن کریم عبارت‌اند از: لقای الهی، (کهف / ۱۱۰) رحمت الهی، (بقره / ۲۱۸) مغفرت و بخشش الهی، (اسراء / ۵۷) مال و مقام و ثروت‌های دنیوی. (حجر / ۳؛ احزاب / ۳۳ و سایر آیات)^۱ بنابراین، امید گرچه ماهیتی مثبت و پسندیده دارد، از آنجا که عوامل پدیدآورنده (متعلقات) و موانع آن ممکن است ماهیتی حقیقی یا کاذب داشته باشند می‌توان به تنويع و تقسیم آن به صورت زیر پرداخت:

۱. امید مطلوب، صادق و حقیقی: این نوع مربوط به اموری است که در جهت رضای الهی و در راستای تکامل انسان و هماهنگی با واقعیت وجودی اوست و آدمی را به تلاش جهت بهره‌مندی از آن وا می‌دارد که به دو گونه در قرآن مطرح شده است:

- امید به آخرت و بهره‌مندی از رحمت الهی و مغفرت او؛ عموم مؤمنان به رحمت و مغفرت الهی امیدوارند؛ (امید عمومی)

- امید به لقای خدا که مخصوص مؤمنان خاص و انسان‌های کامل است. (امید آرمانی)

این نوع در قالب واژگانی همچون رجا (ممدوح و پسندیده) و طمع (مثبت و پسندیده) بیان شده است.

۲. امید نامطلوب، کاذب و مجازی: این نوع مربوط به اموری است که رضای الهی در آن لحاظ نمی‌گردد و به واسطه وسوسه‌های نفس یا القائنات شیطان (وَ كَأْمُنِّيَّتَهُمْ) (نساء / ۱۱۹) سبب سقوط آدمی در مراتب جهل و نقص می‌گردد. این نوع در قالب واژگان رجا، (مذموم و ناپسند)، طمع، (منفی و ناپسند) امل و تمنی بیان شده است.

۱. در ادامه بنابه فراخور بحث، هر کدام از موارد فوق، تشریح گردیده‌اند.

در ادامه سعی نوشتار بر این است تا بنا به فراخور گنجایش خویش، در پرتو شرح و تحلیل اخلاقی دو گونه فوق، به بیان آثار و نتایج آنها در زندگانی فردی و اجتماعی آدمی پردازد و راهکارهایی را برای امیدسازی و امیدافزایی آدمی ارائه نماید.

ب) تحلیل اخلاقی سیمای پسندیده امید در قرآن (امید حقیقی یا امید قرآنی)

یک. شاخصه‌ها و ویژگی‌های امید راستین

به‌طور کلی موضوعات مختلفی می‌تواند متعلق امید انسان قرار گیرند؛ از جمله، اشخاص، امتیازاتی که برای انسان مطرح است، وقایع طبیعی و بسیاری چیزهای دیگر. امید بستن به کس یا کسان و یا به چیز یا چیزها مصادیقی از امیدند. با این همه، پرسش این است که کدامیک از آنها صادق و حقیقی و کدام کاذب و غیر واقعی‌اند؟

بی‌تردید امید صادق و کاذب تأثیر بسیار زیادی در زندگی آدمی دارد و انسان‌شناس ماهر را می‌طلبد تا ضمن تمیز این دو از یکدیگر به امیدهای حقیقی و انتظارات صادق پاسخ دهد، چنان که تشخیص تشنگی صادق از عطش کاذب برعهده پزشک متخصص است، تشخیص دهنده و ممیز امیدهای صادق از امیدهای کاذب نیز، دین الهی است؛ دینی که جداکننده آرزوهای کاذب از صادق است و راه تحصیل امید صادق را به انسان می‌آموزد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۹) به همین دلیل با استفاده از آیات قرآن و کلمات معصومین علیهم‌السلام شاخصه‌هایی برای شناختن امید حقیقی از امید کاذب استنباط می‌شود که به‌طور مختصر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. حقیقت‌جویی و نیت صادقانه: از منظر قرآن کریم، امید حقیقی آن است که برخاسته از نیتی صادق و بی‌آلایش باشد و حقایق ماندگار را جست‌وجو کند و درحقیقت آدمی را به یاد خدا انداخته، همواره وجود و حضور او نظارتش را گوشزد نماید: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ ... وَلَا يُشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا». (کهف / ۱۱۰) درحقیقت انگیزه الهی و خدایی به عمل انسان عمق داده، نورانیت می‌بخشد و در جهت صحیح هدایتش می‌کند؛ در غیر این صورت عمل بدون اخلاص، بیشتر جنبه ظاهری داشته، سطحی و غیر اصیل بوده، به منافع شخصی

گرایش می‌یابد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳ / ۴۰۵؛ طیب، ۱۳۷۸: ۸ / ۴۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲ / ۵۷۶) بنابراین، امید زمانی ممکن است آدمی را به کمالات اخلاقی سوق دهد که انسان هم در مقام ذات، هم صفات، هم افعال و هم در مقام عبادت، به تمام معنا موحد باشد. اگر چنین خلوصی برای کسی میسر گردد، بدون شک کامیاب خواهد شد.

۲. همراهی با عمل صالح: طبق آیه «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا» (کهف / ۱۱۰) عمل صالح لازمه رجا و امید حقیقی شمرده شده است. درحقیقت، آن که ادعا می‌کند من انتظار چیزی دارم و اثری در عمل او نمایان نیست، مدعی دروغینی بیش نخواهد بود. ازاین‌رو طبق بینش قرآن، امید حقیقی، آدمی را به کار و تلاش جهت نیل به هدف وامی‌دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳ / ۴۰۵؛ طیب، ۱۳۷۸: ۸ / ۴۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲ / ۵۷۶) امام صادق علیه السلام نیز، امید را ملازم عمل صالح دانسته، می‌فرماید:

پاره‌ای گمان می‌برند به خدا امید دارند، اما سوگند به خداوند بزرگ که دروغ می‌گویند، اگر راست می‌گویند پس چرا این امیدواری در عملشان به چشم نمی‌خورد؛ زیرا هرکس امیدی داشته باشد، می‌توان آن را در عملش مشاهده نمود. (دیلمی، ۱۳۷۶: ۲ / ۵۶)

۳. همراه بودن با خوف: در فرهنگ قرآن کریم، امید حقیقی آن است که با خوف همراه باشد. (نراقی، ۱۳۶۲: ۱۲۳) ازاین‌رو، در کلام الهی این دو واژه بیشتر در کنار هم استعمال شده‌اند «وَاذْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا» (اعراف / ۵۶) تا هریک از خوف و طمع، مفاسد دیگری را جبران نموده و عبادت نیز مانند سایر مخلوقات، در مجرای ناموس عامّ جهانی، یعنی ناموس جذب و دفع قرار گیرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸ / ۱۶۰) خوف یعنی بیم از عملکردها و طمع یعنی امید به رحمت حق؛ بدین معنا که خدا را با ترس و امید بخوانید، نه آنچنان که از اعمال و کردار خویش خشنود باشید، به گونه‌ای که گمان برید هیچ نقطه تاریکی در زندگی شما وجود ندارد؛ و نه آنچنان مأیوس باشید که خود را شایسته عفو خداوند و اجابت دعا ندانید. (طیب، ۳۷۸: ۵ / ۳۴۴) به همین دلیل در مباحث اخلاقی، این دو در کنار یکدیگر قرار

می‌گیرند. (موسوی لاری، ۱۳۸۶: ۴۲۷) در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

هیچ بنده مؤمنی نیست، جز آنکه در دلش دو نور است: نور خوف و نور رجا که اگر این وزن شود از آن بیش نباشد و اگر آن وزن شود، از این بیش نباشد. (کلینی، ترجمه سید جواد مصطفوی: ۱۱۰ / ۳)

۴. اعتدال در آرزوها: امید و آرزو وقتی عامل حیات، حرکت و قوام زندگی انسان است که در حد اعتدال باشد. اگر آرزو از حد بگذرد و به صورت آرزوی طولانی و تخیلی درآید، آدمی را در رنج و سختی فرو می‌برد و به بدترین عامل انحراف و بدبختی تبدیل می‌شود. مانند آب باران که مایه حیات است اما اگر از حد بگذرد و به سیل تبدیل شود، جز ویرانی و نابودی اثری ندارد. امید و آرزوی افراطی نیز، در قرآن و روایات عامل غفلت و دوری از خدا بشمار آمده است «ذَرَّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهَمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ». (حجر / ۳)

آرزوی طولانی، چنان آدمی را به خود مشغول و غرق در عالم تخیلات واهی می‌نماید که با زندگی و غایت نهایی بیگانه می‌شود و آن را به فراموشی می‌سپارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۹) در فرازی از دعای کمیل در این باره آمده است: «و حسینی عن نفعي بعد املي؛ آرزوهای طولانی مرا از دستیابی به منفعتم باز داشته است». (امام علی علیه السلام)

بنابراین همچنان که اتکا به تلاش پیگیر در راه وصول به هدف و امید حقیقی، بزرگ‌ترین عامل موفقیت آدمی است، اتکا به آمال و نقاشی کردن آرزوهای ناشدنی در ضمیر و صفحه دل، به جای فعالیت و تلاش، نتیجه فاصله گرفتن از واقعیات زندگی است و آنچنان در اعماق روح انسان اثر می‌گذارد که شخص در تصورات محال خود غرق می‌شود و از درک حقایق و واقع‌بینی باز می‌ماند. (موسوی لاری، ۱۳۸۶: ۴۰۲) چنین افرادی هرگز به کمال و سعادت و امید حقیقی خویش نائل نخواهند شد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

أَكْذِبُ الْأَمَلَ وَ لَا تَتَّقُ بِهِ فَإِنَّهُ غَرُورٌ وَ صَاحِبُهُ مَعْرُورٌ. (سید رضی، ۱۴۱۴: ۱۱۸)

آرزوهای فریبنده را یک امر واقعی به حساب نیاور و آن را تکیه‌گاه خود قرار نده، که آرزو فریبنده است و آدمی نیز در دام این فریب گرفتار می‌شود.

دو. جایگاه امید قرآنی در محور اعتقادات با رویکردی اخلاقی (امیدسازی قرآنی)

از منظر قرآن کریم، معرفت به حق، اعتقاد به نبوت و اصل معاد و نیز شناخت امام و اعتقاد به اصل امامت، خود، می‌تواند خانه امیدی را در آدمی پایه‌ریزی کند که تحت هیچ شرایطی، طوفان‌ها و بادهای حوادث ناگوار زندگی نتوانند آن را از پای درآورند. افزون بر این اگر آدمی از نظر شخصیتی و اعتقادی ناامید باشد، به‌طور طبیعی، رفتاری بیرون از عرف طبیعت انسانی از خود بروز می‌دهد که در جهت دادن جامعه به سمت ناامیدی و افسردگی بی‌تأثیر نخواهد بود. از این‌رو با پرورش افراد سالم و امیدوار، می‌توان به القای روح امید در جامعه و نیز تحکیم آن، بیشتر امیدوار بود. همچنین اعتقاد به این سه اصل، به نوعی تجلی‌اعلای امیدواری آدمی است؛ چراکه امید، سبب تقویت هر یک از این اصول در آدمی می‌شود. بنابراین اعتقاد به توحید، نبوت و معاد که پایه و اساس دریافت اسلام را تشکیل می‌دهند، افزون بر امیدسازی، به تحکیم خانه امید آدمی و غنی نمودن آن (امیدافزایی) کمک می‌نمایند و آدمی را به‌سوی کمال واقعی سوق می‌دهد.

۱. اعتقاد به توحید

اعتقاد به توحید و یگانه بودن خداوند به‌عنوان کامل‌ترین موجود در دایره هستی که به‌صورت بی‌نهایت واجد همه کمالات است، موجب می‌شود انسان به‌جای اندیشه مداوم به عوامل متعدد مؤثر در زندگی خویش و بیم از آنها و یا امید بستن به آنها، به مرجع و ملجائی واحد چشم بدوزد. کمترین تأثیر چنین نگرشی، انسجام و تعادل بین شناخت‌ها، عواطف و اعمال در بسیاری از بخش‌های زندگی است. به بیان دیگر، توحید و یگانه‌پرستی است که به عناصر نفس و روان آدمی همبستگی بخشیده، روند قوای فکری او را برای دریافت و شناخت به‌سوی یک منبع، متحد و هماهنگ می‌سازد و از این رهگذر، یک اثر ترکیبی سازنده را در شخصیت انسان بارور می‌گرداند. به عکس تعدد آلهه و شرک یا تعدد منابع ترس و نفع و ضرر که منجر به تشتت و ازهم‌پاشیدگی روان انسانی و تفرق و تقسیم قدرت آگاهی او به جهات متعدد شده، سرانجام به ازهم‌گسیختگی پیوندهای شخصیت و ایجاد اختلالات روانی در او (از جمله ناامیدی و افسردگی) می‌انجامد.

از سویی دیگر اعتقاد به توحید افعالی (اصل قضا و قدر و تصادفی نبودن رویدادها) نیز، یکی از عوامل مؤثر در افزایش امید در نهاد آدمی در پرتو اعتقاد به وجود خالق یکتاست؛ چراکه از منظر قرآن امور جهان تصادفی نبوده، تحت نظارت خداوند انجام می‌گیرد؛ (انعام / ۵۹) خداوند براساس حکمت و مصلحت کارها را سامان داده، خواستار خیر و خوبی انسان‌هاست.

(آل عمران / ۱۴۰) مشکلات نیز، امکانی جهت امتحان و رشد آدمی است. (محمد / ۳۱)

ایمان به خداوند و اعتقاد به وجود خالق یکتا، نه تنها ناراحتی و تشویش را از قلب آدمی می‌زداید، بلکه می‌تواند از هجوم هیجان و اضطراب به دل نیز، جلوگیری نماید. قرآن از نقش پیش‌گیرانه ایمان چنین یاد می‌کند: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». (آل عمران / ۱۳۹) آیات قرآن، خود، گویای رابطه ایمان با امنیت و پیوند امید و آرزو با آرامش درونی و روانی است: (رعد / ۲۹ - ۲۸) از مجرای توحید است که انسان مسئله پناه‌بردن به خداوند را درک می‌نماید و به یک انسان مطلوب و متعادل تبدیل می‌شود. چنین انسانی همواره به یاد خدا بوده، قلبش کاملاً آرام است. (رعد / ۲۸)

بنابراین اعتقاد به توحید و وحدت معبود که به صورت فطری در نهاد تمامی انسان‌هاست، اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسئله در ایجاد امید در آدمی است و امید واقعی و حقیقی نیز، امیدی است که همواره خداوند، وجود او و حاضر و ناظر بودن او را به آدمی گوشزد می‌نماید.

۲. اعتقاد به نبوت و امامت

بشر برای داشتن زندگی سالم در این دنیا، نیازمند فرستادگانی (انبیا) از جانب خالق یکتاست و امید به حیات اخروی نیز از همین رهگذر میسر است. تنها انبیا و ادیان الهی می‌توانند نویدبخش امید به آینده در سایه ایمان، پرهیزکاری، تزکیه روح و جسم و عمل صالح، و نویدبخش آینده‌ای روشن در پرتو ایمان به خداوند باشند. همچنین امید در راستای تکامل انسان در قرآن، به سوی خلیفه الهی و تجلیگاه اسمای الهی است؛ از این رو امید واقعی نیز، در راستای تجلی صفات الهی در وجود بشر نهادینه شده است که طبق آیات قرآن کریم، در پرتو الگوگیری و توجه به زندگی و راه و روش رفتاری بزرگان دین، انبیا و اولیای الهی، ائمه معصومین علیهم‌السلام و شخصیت‌های کاملی است که منبع امید، انرژی و حیات‌اند. بزرگانی مانند پیامبر بزرگ اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که با همه

سختی‌ها و مشکلاتی که برای ایشان در راه ترویج و نشر اسلام به وجود آمد، از مسیر حق و امیدواری به بارگاه او خارج نشد و با عمل خویش، جامعه تزکیه شده‌ای را پایه‌گذاری نمود که به لحاظ اخلاقیات فردی و معنویات روحی نماد تزکیه و تنزیه بود. (موسوی لاری، ۱۳۸۶: ۴۹)

از این رو، از او به عنوان بهترین الگو برای بشر در تمامی ادوار تاریخ یاد شده است «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ». (احزاب / ۲۱) به طور کلی تفکر در تمامی قصه‌های قرآن و داستان‌های زندگی اولیای الهی ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که یکی از اهداف این قصه‌ها، تحکیم روحیه امید در دل اهل ایمان بوده است و خداوند از طریق بیان زندگی این انسان‌های نمونه (معلمان اخلاق)، که مظهر کامل و تام اسمای نیکوی الهی‌اند، (منتهی الرجایا) به پرورش روحیه امید و تقویت آن در سایر افراد بشر می‌پردازد؛ از جمله (هود / ۱۲۰) داستان بازگشت یوسف، این بنده صالح خدا و گمگشته عزیز یعقوب، به آغوش پدر، (یوسف / ۱۰۰) تبدیل آتش نمرودیان به گلستانی از لطف و رحمت حق (انبیا / ۶۹) و به دست آوردن یک‌باره سلامتی و ثروت و دیگر نعمت‌های از کف رفته پس از تحمل تمام رنج‌ها در داستان زندگی حضرت ایوب علیه السلام. (ص / ۴۳)

بعد از انبیا نیز، آدمی به پیروی از امامان و ائمه معصوم علیهم السلام (گرچه نبی نیستند، حضوری نبی‌گونه دارند) سفارش شده است. در عصر حاضر نیز، شناخت وجود مبارک امام زمان علیه السلام و آشنایی با سیره و رفتار او، بی‌تردید معبر و گذر از جاهلیت به سوی حیاتی معقول و باوری امیدبخش بوده، استمرار همیشگی بارقه‌های امید در دل‌های شیعیان است. بنابراین الگوپذیری و توجه به صفات و سکناات الگو همراه با تلاش جهت رسیدن به مقامات معنوی او، سهمی اساسی در ایجاد روح امید در آدمی دارد، ضمن اینکه انتظار فرج، خود، تجلی‌اعلای امید در نهاد انسان‌هاست و نمی‌توان از تأثیر آن در ایجاد و تثبیت امید در آدمی غافل ماند.

۳. اعتقاد به معاد

ایمان به معاد، ریشه یأس‌ها و ناامیدی‌ها را که آفت جان انسان‌هاست می‌سوزاند و انسان را امیدوار می‌سازد که هیچ‌یک از اعمال نیک او از صفحه هستی پاک نمی‌شود و هیچ‌کدام از مصائب و ناکامی‌هایش در این دنیا، بی‌پاسخ نخواهد ماند. شخص معتقد به معاد زندگی را به این

جهان ماده محدود نمی‌کند بلکه معتقد است انسان پس از مرگ، زندگی دیگری در پیش دارد و در آنجا به بسیاری از خواسته‌ها و آرزوهای مناسب خود نائل می‌شود. از نظر قرآن نیز، حیات باقیه و زندگانی جاوید و سعادت ابدی در آخرت است. (غافر / ۳۹) در آنجا آسایش، آرامش و امنیت مطلق وجود دارد (انعام / ۱۲۷) و هیچ‌گونه کمبودی احساس نمی‌گردد و احساس محرومیتی که انسان در این دنیا احساس می‌کند، با یادآوری نعمت‌های عالم آخرت بر طرف می‌گردد، چراکه شخص مؤمن به بهره‌مندی از نعمت‌های الهی در آن جهان امیدوار است.

همچنین آدمی همواره در زندگی با مشکلات، مصیبت‌ها و گرفتاری‌هایی مواجه است که رهایی از آنها ممکن نیست و در بعضی موارد قدرتی برای مبارزه با آنها ندارد و اگر برای مشکلات فوق، راه حل مناسبی نیابد، در زندگی دچار سرخوردگی و ناامیدی شده، ممکن است به خودکشی بینجامد. اما اعتقاد به معاد و امید به فرارسیدن آن، تعادلی مطلوب و آرام‌بخش و شایسته مقام انسانی در درون آدمی به‌وجود می‌آورد.

ایمان به معاد و امید به بهره‌مندی از رحمت و مغفرت الهی ابزاری برای رسیدن به اصل و هدف نهایی است که همان جنت ذات و لقاءالله است. در فرهنگ قرآن نیز، بهشت بی‌گمان پایان و نهایت «شدن» در جنبه تکاملی انسان نیست، ازاین‌رو قرآن هرگز از آن به بهترین و والاترین هدف تعبیر نکرده است، بلکه با تأکید بر «رضوان الله اکبر» می‌کوشد تا بر این نکته تأکید ورزد که بهشت، تنها به‌عنوان یک هدف میانی و متوسط می‌تواند در اندیشه بشر جای گیرد. آنچه به‌عنوان هدف و غایت قصوای انسان می‌بایست مطرح و مورد سعی و کدح قرار گیرد مسئله لقاءالله است «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهٗ» (انشقاق / ۸۴) که همان‌گونه که در قبل نیز اشاره شد، یکی از متعلقات اصلی امید در قرآن است. اما در راه رسیدن به لقاء الهی، طبق آیه «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف / ۱۱۰) همواره باید به دو اصل اخلاص و عمل صالح توجه شود. درحقیقت، آن‌که ادعا می‌کند من انتظار چیزی دارم و اثری در عمل او نمایان نیست، مدعی دروغینی بیش نخواهد بود. همچنین تا حقیقت خلوص و اخلاص در عمل سریان نداشته باشد، عمل رنگ‌صالح به خود نخواهد گرفت. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳ / ۵) امام صادق علیه السلام نیز در حدیثی فرموده‌اند:

هر که مشتاق لقای الهی شد، خواهش طعام و شراب و لذت اینها از او قطع می‌شود، میل خواب و استراحت برطرف می‌شود و به دوست و مصاحب و رفیق، انس نمی‌گیرد، همیشه آرزومند وصال الهی است و تمنای لقای الهی دارد و آنچه در دل دارد از آرزوی لقای الهی، به زبان شوق مناجات می‌کند و به الفاظ و عبارات تعبیر می‌نماید. (مجلسی، مکرر: ۶۷ / ۲۴)

بنابراین اعتقاد به معاد و جهان پس از مرگ و امید به بهره‌مندی از رحمت الهی و رسیدن به لقای او، تأثیری بس شگرف در تحکیم روح امید در نهاد انسان دارد، به‌گونه‌ای که خداوند در قرآن یاد مرگ و تمنای آن را یکی از ویژگی‌های مؤمنان واقعی و کسانی معرفی می‌کند که دارای ایمانی راستین و ثابت‌اند؛ چراکه اینان، نه تنها از مرگ نمی‌ترسند، بلکه به واسطه وجود روح امید در درونشان، آن را بهترین وسیله برای حصول به آرزوهای خود می‌دانند و پیوسته آن را از خداوند، تقاضا می‌کنند (بقره / ۹۶ - ۹۴) و بدین وسیله نه تنها از فشارهایی که در طریق انجام مسئولیت‌ها بر ایشان وارد می‌شود رنجی نمی‌برند، بلکه از آن استقبال می‌کنند و با منطق شهادت که به اعتقاد شهید مطهری، سوختن و حل شدن در اجتماع برای احیای جامعه است (معتمدی، ۱۳۷۲: ۸۹) مرگ را در آغوش می‌کشند و خود را برای بهره‌مندی از نعمت‌های بیکران الهی در سرای باقی آماده و مهیا می‌گردانند؛ چراکه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ». (آل عمران / ۱۶۹) از این رو، نیل به شهادت، تجلی اعلائی امید در روح و روان آدمی است. به‌راستی چه اعتقادی مانند این خواهد توانست در یورش سختی‌ها و دگرگونی‌های روزگار به انسان ثبات قدم بخشد و همچون لنگری مطمئن، کشتی طوفان‌زده روح انسان را در حوادث و بلایا از تلاطم باز دارد؟ بنابراین، اعتقاد به معاد و جهان پس از مرگ، هم امیدساز است و هم امیدپرور.

سه. جایگاه امید قرآنی در محور رفتار آدمی با رویکردی اخلاقی (امیدافزایی قرآن)
نوشتار پیش‌رو درصدد است در پرتو تأثیر اخلاقیات در رفتار آدمی، در قالب اخلاقیات فردی و اجتماعی، تقویت و افزایش امید به آینده در نهاد آدمی را بررسی، و تأثیر نهادینه شدن اخلاقیات در جامعه را بر تضمین امنیت و تقویت روحیه امیدواری در همه انسان‌ها نشان دهد؛

چراکه انسان در طول زندگی با عمل به هریک از این موارد از آثار افزایش امید بهره‌مند شده، افزون بر حفظ شخصیت سالم و فطرت خدایی بر صبغه و رنگ الهی خویش باقی خواهد ماند. شایان توجه اینکه اگرچه علل و اسباب گوناگون مادی و معنوی در فروزانی چراغ امید در دل نقش دارند، نقش عوامل امیدبخش با رویکرد معنوی و دینی به مراتب اثربخش‌تر و جاودانه‌تر است. البته علل زیر، از جهتی از آثار امید نیز بشمار می‌روند و انسان در طول زندگی خویش با عمل و یا توجه به هریک از موارد زیر از آثار امید بهره‌مند خواهد شد. در ادامه به بیان گوشه‌ای از این عوامل امیدبخش یا آثار امید در زندگانی آدمی از منظر قرآن کریم اشاره می‌گردد. بدیهی است انسان در صورت درک مفهوم واقعی این محورها و زیرمجموعه‌های آن، طبعاً بخش درخوری از چگونگی زیستن را خواهد آموخت.

چهار. عوامل و آثار امید قرآنی در حوزه اخلاقیات فردی

۱. یاد خداوند: یکی از مهم‌ترین آثار تربیتی یاد خداوند، ایجاد امید و دستیابی به آرامش واقعی و اطمینان درونی است. در فرهنگ قرآن یاد خداوند، تأثیر بسزایی در روان آدمی دارد و دل‌ها در پرتو آن آرام می‌گیرند «إِلا بذكرِ الله تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد / ۲۸) غفلت از یاد خدا علت اصلی اضطراب‌ها و آشفتگی‌های روانی، خستگی‌ها و افسردگی‌های روحی انسان دوران معاصر است «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً». (طه / ۱۲۴) در دستوره‌های دینی نیز آمده است، اگر سیئه‌ای مرتکب شدید فوراً حسنه‌ای انجام دهید تا آن را جبران نمایید؛ زیرا با متراکم شدن سیئه چرک و غبار در جان ایجاد، و انسان بیمار می‌شود؛ از این رو، یاد دائمی خداوند توصیه شده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۱) مهم‌ترین مصداق‌های یاد خداوند عبارت‌اند از:

نماز: از مهم‌ترین مصادیق ذکر و یکی از راه‌های تقویت و پرورش روحیه امید در امیدواران، نماز است. (فاطر / ۲۹) (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۱۷۷) این تکلیف در سرلوحه دعوت همه پیامبران الهی بوده است تا به مدد آن، آدمی امید اصلی خود را از دست نداده، یاد او از دل و جاننش زوده نشود. (طه / ۱۴) وقوف خاشعانه و خاضعانه انسان در نماز در برابر خداوند متعال، (مؤمنون / ۱) به او نیرویی معنوی می‌بخشد که امید را در او برمی‌انگیزد، زیرا

انسان در نماز (البته در صورتی که به‌طور صحیح و شایسته برگزار شود) با تمام اعضای بدن و حواس خود متوجه خدا می‌شود و از همه مشکلات دنیا روی برگردانده، به چیزی جز خدا نمی‌اندیشد. همین رویگردانی کامل از مشکلات و نیندیشیدن به آنها در اثنای نماز، باعث ایجاد امید در نهاد آدمی می‌شود که از نظر درمانی در کاهش شدت هیجانات عصبی ناشی از فشار زندگی روزانه و پایین آوردن حالت اضطراب تأثیر بسزایی دارد. (نجاتی، ۱۳۸۶: ۳۸۹)

پیامبر اکرم ﷺ نیز، به هنگام فرا رسیدن اوقات نماز می‌فرمودند: «یا بلال أرحنا بالصَّلاه: ای بلال! ما را با نماز به آرامش وادار». (خرمشاهی و دیگران، ۱۳۷۶: ۸۷۰) چون این حالت‌ها معمولاً تا مدتی پس از نماز نیز، در انسان باقی می‌مانند، فرد از اضطراب و نگرانی به تدریج رها می‌گردد و به تمرکز اعصاب و آرامش روانی دست می‌یابد و حالت نشاط و طراوت را در تمام وجودش احساس می‌کند که مایه تجدید ملکه امید و تقویت روح امیدواری در او می‌گردد.

تلاوت قرآن: یکی دیگر از مصادیق ذکر، تلاوت آیات روح‌بخش الهی است. همچنین براساس آیه «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ» (فاطر / ۲۹) یکی از بهترین راه‌های تقویت و پرورش امید در انسان، انس گرفتن و مأنوس شدن با قرآن و تدبّر در آیات آن است؛ انس با قرآن (که در روایات نیز، به‌طور خاص بر آن تأکید شده است) (کلینی، ۱۳۶۲، بی تا: ۲ / ۵۷۴) موجب نورانیت قلب و وجود انسان، (مائده / ۱۶) و زمینه‌ساز هدایت و سعادتش می‌شود؛ چراکه خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ». (یونس / ۵۷) چنین انسانی هیچگاه احساس تنهایی نمی‌کند (مجلسی، مکرر: ۴۶ / ۱۰۷) و در مواقع برخورد با مشکلات طاقت‌فرسای زندگی، همواره از نگرانی و هجوم فشارهای روانی در امان است؛ (اسراء / ۸۲) زیرا در مواقع بروز افسردگی و ناامیدی به دامان قرآن کریم پناه می‌برد و با اخذ ایده‌های توحیدی و آنچه در مسیر هدایت به آن نیاز دارد، به ایمانش افزوده می‌گردد و احساس آرامش می‌کند. (زمر / ۲۳)

۲. توبه و انابه به‌سوی خداوند: توبه یعنی بازگشت از گناه و معصیت به‌سوی خداوند که همراه با پشیمانی قلبی و جبران خطاهای گذشته است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ذیل ریشه کلمه)

درحقیقت توبه و انابه به سوی پروردگار که سرمایه سالکین و مشرق نور قرب پروردگار و کلید استقامت در راه دین، (نراقی، ۱۳۶۲: ۵۲۷) و راهی است که خداوند برای رهایی انسان‌ها از یأس و ناامیدی قرار داده است تا همگان بدانند که آفریدگارشان پذیرنده افراد عاصی است «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ». (شوری / ۲۵)

انسان گنهکاری که با گناه خویش دچار عصیان شده و امید خویش را در زندگی از دست داده است با انابه می‌تواند، امید حقیقی را در خویش بازسازی نماید. در قرآن نیز، انابه‌کنندگان کسانی معرفی شده‌اند که از نظر بینش به خدا ایمان داشته و دل‌هایشان نسبت به ذکر و یاد خدا به اطمینان رسیده است و تحت تربیت الهی در یک نوع آرامش بینشی و نگرشی قرار گرفته‌اند؛ «وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ». (رعد / ۲۸ - ۲۷) (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۷۰)

۳. صبر: از نظر علمای علم اخلاق، صبر عبارت است از ثبات و اطمینان نفس و مضطرب نشدن در بلا، به نحوی که حالت اطمینان در زمان پیش از وقوع حادثه زایل نگردد. (نراقی، ۱۳۶۲: ۶۴۳) انسان‌های ضعیف دچار یأس و ناامیدی می‌شوند، اما انسان‌های قوی، صبور و مؤمن هیچ‌گاه تسلیم عوامل یأس و ناامیدی نخواهند شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۰۷) صبر نیروی مثبت و نشاط‌انگیزی در انسان مؤمن ایجاد می‌کند که با تبدیل دشواری‌ها به پلکان رشد و ترقی، در جهت معرفت بیشتر پروردگار و موفقیت در کارها گام برداشته، ایمانش مستحکم‌تر می‌شود. (موسوی لاری، ۱۳۸۶: ۲۵۲ - ۲۴۹) تحمل مشکلات و مقاومت در برابر عوامل یأس‌آور، به پیروزی می‌انجامد و این همان توصیه حضرت یعقوب به فرزندان است، که به آنان می‌فرماید: «شکیبا باشید و از فرج بعد از شدت غافل نشوید». (یوسف / ۸۷) صبر افزون بر آثار ارزشمند و نتایج مفید در زندگی دنیا (جهت تقویت روحیه امیدواری و زدودن ناامیدی و افسردگی از زندگی)، پاداش بی‌حساب الهی را نیز به دنبال داشته، موجب تقویت امید به برخورداری از نعمت‌های بیکران الهی در جهان دیگر می‌شود: «إِنَّمَا يُوفِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ». (زمر / ۱۰) (موسوی لاری، ۱۳۸۶: ۲۶۸)

۴. توکل بر خداوند: توکل یعنی تکیه کردن به قادر متعال و واگذار کردن کار به او که نشان

توحید و بندگی است. (نراقی، ۱۳۶۲: ۶۱۵) بدیهی است اتکا به پشتیبانی نیرومند در مقابله با هجوم مشکلات موجب استواری و پایداری انسان می‌شود؛ از این رو، توکل به خدا موجب پایداری انسان شده، بدون آن آدمی در هنگام هجوم بلاها، در اندک زمانی از پای درمی‌آید و نمی‌تواند در مقابل دشمنان بیرونی و درونی ایستادگی کند و خیلی زود ناامیدی و افسردگی به سراغش می‌آید. (موسوی لاری، ۱۳۸۶: ۴۱۹) اما به مدد نیروی توکل و تکیه بر قدرت الهی، چنان حالت نشاط و شادابی به آدمی دست می‌دهد که خود را غنی‌ترین مردمان می‌پندارد؛ چراکه می‌داند تنها خداست که انسان را هدایت می‌کند و هرگز به او خیانت نمی‌کند و جز خیر و نیکی برایش نمی‌خواهد. پس تنها باید بر او توکل و اعتماد کرد؛ «وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا ... وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» (ابراهیم / ۱۲) و تنها امید به یاری او بس است؛ «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا». (طلاق / ۳)

۵. تهجد و شب‌زنده‌داری: خداوند در سوره زمر، شب‌زنده‌داران و متهجدان را امیدوار، و نماز شب و شب‌زنده‌داری را از عوامل امیدبخش معرفی کرده است؛ «أَمَّنْ هُوَ قَائِتٌ آنَاءَ الْبَيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يُحْذِرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ». (زمر / ۹) چراکه در دل شب و به هنگام فرو نشستن غوغای زندگی مادی و آرامش روح و جسم انسان در پرتو مقداری خواب، حالت توجه و نشاط خاصی به انسان دست می‌دهد که در عین بی‌نظیر بودن، فوق‌العاده روح‌پرور، تکامل‌آفرین و امیدبخش است. در چنین زمانی، امیدواران حقیقی با تمام وجود، رو به درگاه معبود می‌آورند و سر بر آستان معشوق می‌سایند و با بیم و امید، او را می‌خوانند.

پنج. عوامل و آثار امید قرآنی در حوزه اخلاقیات اجتماعی

علم اخلاق که از شایستگی‌ها و ناشایستگی‌های خصال آدمی گفت‌وگو می‌کند، قلمرویی فراتر از حوزه انفرادی انسان دارد؛ چراکه انسان موجودی است با دو بُعد فردی و اجتماعی و بسیاری از خصلت‌های او در زندگی جمعی ساخته و پرداخته می‌شود. توجه به یک بُعد و غفلت از ابعاد دیگر، نابسامانی در رشد و کثرتی در سیر تکامل را در پی خواهد داشت. از این رو، لازم است افزون بر جنبه فردی به بُعد اجتماعی او نیز توجه شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۴)

مراد از اخلاق اجتماعی اخلاقی است که با سایر افراد مرتبط بوده، در افزایش یا کاهش امید در شخص و اجتماع تأثیرگذار است. برخی از این اخلاقیات عبارتند از:

۱. انفاق: انفاق خالصانه که تنها به خاطر خشنودی خدا و کسب رضای او انجام گیرد، باعث پرورش فضائل انسانی و تثبیت این صفات (از جمله امید حقیقی) در جان آدمی می‌گردد. (بقره / ۲۶۵) انفاق از سویی، با پایان دادن به تمام اضطراب‌ها و ناراحتی‌های ناشی از احساس مسئولیت در برابر محرومان (توبه / ۱۰۳) انسان را امیدوار می‌سازد که در پرتو انفاق خویش، ضمن افزایش آرامش در جامعه و از بین بردن تنش‌های اجتماعی ناشی از فقر، شخصیت سالم و فطرت خدایی خویش را حفظ کرده، بر صبغه و رنگ الهی خویش باقی بماند (موسوی لاری، ۱۳۸۶: ۲۰۲) و از سوی دیگر موجب زنده شدن روح ایمان و برادری انسانی در جامعه شده، در پرتو آن، روح امید به آینده در میان سایر افراد را افزایش دهد؛ (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۱۱) از این رو، امیدواران حقیقی برای حفظ امید خویش و تقویت آن، از طریق انفاق در صدد اصلاح خود و جامعه برمی‌آیند؛ «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ ... وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ». (فاطر / ۳۹)

۲. احسان: در فرهنگ قرآن، شخص محسن و نیکوکار، به لطف و عنایت خداوند، امیدوار و معتقد به وعده‌های اوست. از این رو، هر کس امیدوار به رحمت الهی است، باید نیکوکار گردد. (اعراف / ۵۶) همچنین طبق آیه «إِنَّ أَحْسَنَكُمْ أَحْسَنُكُمْ لِأَنْفُسِكُمْ» (اسراء / ۷) انسان به واسطه نیکی خویش، به رسیدن به مراحل تکامل شخصیت و تحقق کمال وجودی‌اش امیدوار می‌گردد. بنابراین احسان به دیگران نیز، سبب تحکیم امید حقیقی در فرد و جامعه خواهد شد. همچنین احسان به والدین به عنوان یک واجب عقلی و شرعی از بزرگ‌ترین روابط اجتماعی است که قوام و استواری جامعه انسانی بدان وابسته است، در صورت بروز رفتاری مخالف آن در اجتماع و بی‌حرمتی فرزندان به والدین، قطعاً رابطه عاطفی بین والدین و فرزندان خدشه‌دار شده، شیرازه اجتماع به کلی از هم گسیخته خواهد شد. بدیهی است در چنین جامعه‌ای یأس و ناامیدی، به سرعت نفوذ خواهد کرد و جامعه به سوی هلاکت و نابودی پیش خواهد رفت. (نراقی، ۱۳۶۲: ۴۰۷)

۳. امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر، نشانه علاقه به سلامتی جامعه و وجود روح نشاط و امیدواری میان مردم جامعه است. به واسطه اجرای این فرهنگ، اجتماع از صورت یک جامعه مُرده و فاقد تحرک بیرون آمده به یک جامعه زنده و پویا تبدیل می‌شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر فریضه بزرگی است که با آن فریضه‌های دیگر به پا داشته، راه‌ها امن و کسب و کارها حلال می‌شود. آنچه به ستم ستانده شده (است) به صاحبان آن باز گردانده می‌شود، زمین‌ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته و امر پا برجا می‌شود. (عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۶ / ۱۱۹)

همچنین به عنوان یکی از وظایف انبیا و راه و رسم صالحان (اعراف / ۱۵۷) آدمی را امیدوار می‌سازد به واسطه عمل بدان، پاداشی درخور انبیا دریافت نماید و سرانجام نیز، در زمره رستگاران و تربیت یافتگان حقیقی قرار گیرد. (آل عمران / ۱۰۴) بدین ترتیب به واسطه القای این فریضه، امید حقیقی در جامعه و فرد، برای همیشه زنده نگه داشته می‌شود.

۴. وفای به عهد: یکی از ویژگی‌های مؤمنان که در پرتو امید واقعی به لقای الهی بهشت را به ارث می‌برند، وفای به عهد است. (مؤمنون / ۸) فریضه وفای به وعده، همچون شیرازه‌ای است که روابط اجتماعی را محکم و آدمی را امیدوار می‌سازد که به واسطه عمل به تعهدات خویش، شکاف‌های ایجاد شده در اثر بی‌نظمی و هرج و مرج را پر نماید و هر اندازه بیشتر رعایت شود، اعتماد بیشتری تولید می‌کند، (نراقی، ۱۳۶۲: ۲۰۰) و مردم احساس آرامش بیشتری نموده، امیدوارتر به آینده و با خیالی راحت‌تر به فعالیت می‌پردازند. بدیهی است انسانی که به وقوع روز جزا امید حقیقی دارد و فرارسیدن آن را در دل آرزو می‌کند، همواره با توجه به وفای به عهد، آن را در سرلوحه زندگانی خویش قرار خواهد داد. (اسراء / ۳۴) بنابراین وفای به وعده‌ها و پیمان‌ها نیز، به القای امید راستین در نهاد آدمی و جامعه کمک می‌کند.

۵. عفو و گذشت: عفو و صفح، از مصادیق احسان‌اند (مائده / ۱۳) و رحمت خداوند که مؤمنان همواره در امید و انتظار آن بسر برده، (بقره / ۲۱۸) آرزوی رسیدن به آن را در دل

می‌پروراند، به محسنین و نیکوکاران نزدیک است. (اعراف / ۵۶) بنابراین مؤمنان و امیدواران به رحمت الهی از طریق فرهنگ عفو و بخشش دیگران، ضمن پایه‌ریزی قوام اجتماعی و پایداری حیات سالم انسانی، می‌توانند به امید و آرزوی خود که همان دریافت رحمت الهی و پاداش‌های اوست، دست یابند (نراقی، ۱۳۶۲: ۱۸۶) و در سایه نشاط و شادابی سبب ایجاد فرهنگ امید راستین و حقیقی در فرد و جامعه (آل عمران / ۱۰۳) شوند.

ج) تحلیل اخلاقی سیمای امید مذموم در قرآن کریم

همان‌گونه که اشاره شد، برخی امیدها، امیدهایی کاذب و نامطلوب‌اند و همچون سنگی بر پای بسته، نه‌تنها آدمی را از حرکت و تلاش باز می‌دارند، بلکه او را در باتلاق غفلت و گرداب تخیل گرفتار کرده، از همه چیز بازمی‌دارند. (نراقی، ۱۳۶۲: ۱۴۹) درحقیقت امید صادق و حقیقی به اقتضای طبیعی در انسان موجود است؛ زیرا، انسان به‌طور فطری به خداوند گرایش دارد (روم / ۳۰) (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۷۸) و با یاد او، از امید واقعی و حقیقی بهره‌مند است؛ اما در راستای بقای این امید، عواملی به عنوان موانع بقای امید حقیقی ظهور و بروز می‌کنند و نمی‌گذارند امید در انسان باقی و برقرار بماند. به‌طور کلی، آدمی همواره در محاصره دو مهاجم توان‌فرساست: شیطان یا مهاجم بیرونی که برای نابودی انسان شب از روز نمی‌شناسد و با تمام توان و قدرت درصدد هلاکت اوست که امروزه به‌گونه‌های مختلف در جامعه موجودند؛ «شَیْطَانِ الْاِنْسِ وَ الْاِنْجِن» (انعام / ۱۱۲) (نراقی، ۱۳۶۲: ۸۵) و مهاجم درون آدمی که با جلوه دادن تمایلات نفسانی و آرزوهای طولانی، انسان را به خود مشغول می‌سازد. (نراقی، ۱۳۶۲: ۱۰) این، همان هوای نفس یا نفس اماره است که پیوسته با منحرف کردن آدمی از مسیر حق او را (طیب، ۱۳۷۸: ۸ / ۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۱۸۸) و به بدی‌ها سوق می‌دهد.

نفس از درهاست او کی مرده است از غم بی‌آلتی افسرده است

این مهاجمان به عنوان موانع بقای امید حقیقی در آدمی، پیوسته بر طبل یأس و ناامیدی می‌کوبند تا آدمی را از حرکت و پویایی در جهت رسیدن به امید حقیقی خویش بازدارند. از این رو، شناخت این دو مهاجم و نقش آنها در ایجاد امید و آرزوهای واهی در آدمی، به منظور پیشگیری از تحقق امیدهای کاذب بایسته است تا امید فطری آدمی همچنان باقی و برقرار بماند و کمالات اخلاقی میسر گردد:

۱. مهاجم درونی یا هوای نفس: انسان، بدون توجه الهی موجودی ضعیف است و نفس آدمی همواره از طریق امر به بدی مؤثرترین عامل در انحطاط یا ارتقای اوست؛ «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ». (یوسف / ۵۳) بیشتر مردم مرتکب لغزش‌ها و نافرمانی خداوند شده، در مبارزه با نفس شکست می‌خورند. در این هنگام است که ناامیدی به سراغ آنان آمده، حرکت قهقراپی در پیش می‌گیرند و برای همیشه از رستگاری و رسیدن به کمالات اخلاقی مأیوس می‌گردند. پیامبر ﷺ نیز درباره خطر بزرگ آرزوهای دراز و پیروی از خواسته‌های نفسانی می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ خَصْلَتَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَ طُولُ الْأَمَلِ أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَيُصِدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ طُولُ الْأَمَلِ يُثْسِي الْأَخْرَه. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲ / ۳۶)

ای مردم مخوف‌ترین چیزی که بر شما از آن می‌ترسم، دو چیز است: پیروی از هوا و هوس و آرزوهای دراز؛ چراکه پیروی از هوای نفس شما را از حق بازمی‌دارد و آرزوی دراز، آخرت را به دست فراموشی می‌سپارد.

قرآن کریم نیز، هواپرستی را سرچشمه کفر و بی‌ایمانی معرفی کرده، می‌فرماید: «فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ». (طه / ۱۶) کفر نیز، سرچشمه ناامیدی است؛ «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ لِقَائِهِ أُولَئِكَ يَسُؤُوا مِنْ رَحْمَتِي». (عنکبوت / ۲۳) از این رو پیروی از هوای نفس، آدمی را به ناامیدی و افسردگی می‌کشاند. در چنین صورتی آدمی هرگز به کمال و سعادت و امید حقیقی خویش نائل نخواهند شد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱ / ۱۹۸)

۲. شیطان مهاجم بیرونی: یکی دیگر از دشمنان انسان، شیطان است که او را به آرزوهای واهی و بی‌پایه وامی‌دارد تا او را از رسیدن به فضائل اخلاقی بازدارد. همان‌گونه که می‌دانیم

هر چیزی و هر کسی نمی‌تواند ملجأ و منشأ امید در آدمی باشد. چه بسا مکاتب و نظریه‌پردازان و افرادی که آدمی را به آینده‌ای روشن و مدینه فاضله وعده می‌دهند، اما زیر پای خود آنها سست و خالی است. اینها امیدهای شیطانی است، چراکه شیطان یکی از شیوه‌های گمراه‌کننده خود را ایجاد آرزوهای دروغین اعلام کرده است و برای گمراهی بشر از آن استفاده می‌کند: «وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ». (نساء / ۱۱۹) آرزوهایی چون درازی عمر و جاودانگی در دنیا و فرمانروایی دایم و ثروت بسیار و ... خلاصه اینکه شیطان با تصرف در عواطف نفسانی انسان، از جمله در بیم و امید، آمال و آرزوها و شهوت و غضب، در اراده و افکاری که از این عواطف برمی‌خیزد نیز تصرف می‌کند.

به بیان دیگر ادراک انسانی میدان تاخت‌وتاز شیطان، و عواطف و احساسات بشری ابزار کار اویند. به شهادت آیه «الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ» (ناس / ۵ - ۴) شیطان اوهام دروغین و افکار باطل را در نفس القا می‌کند (نراقی، ۱۳۶۲: ۸۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰ / ۳۹۷) و با وعده‌های فریبنده، عده‌ای را به امید و آرزوهای باطل و کاذب وامی‌دارد، همان امید و آرزوهایی که مایه بی‌خبری و غفلت از ذات حق می‌شود و چنان انسان را به خود مشغول، و در عالمی از تخیل غرق می‌کند که به کلی با زندگی و هدف نهایی‌اش بیگانه می‌شود.

نتیجه

در اصطلاح علم اخلاق، امید مترادف با رجا و حالت راحتی و لذتی است که از انتظار تحقق حقیقتی محبوب در قلب حاصل می‌شود. (نراقی، ۱۳۶۱: ۱۴۹) از منظر قرآن کریم، امید در راستای تکامل انسان و تکامل انسان در قرآن، به سوی مقام خلیفه الهی و تبدیل شدن به مظهر تجلی اسمای الهی است. از این رو، امید واقعی نیز، در راستای تجلی صفات الهی در وجود بشر نهادینه شده است.

قرآن کریم برای نیل بدین هدف، دو گونه امید را برای آدمی تبیین نموده است: امید

حقیقی و امید کاذب. مهم‌ترین شاخصه‌های امید حقیقی عبارت‌اند از: نیت خالصانه، همراهی با عمل و همراهی با خوف.

همچنین قرآن کریم جهت القای امید راستین در آدمی، در هر دو حوزه فردی و اجتماعی زندگانی آدمی، عواملی (اخلاقیاتی) را برشمرده است که توجه به آنها، ضمن ایجاد امید، به تحکیم و غنی‌سازی آن نیز کمک می‌کنند. قرآن کریم با معرفی هوای نفس و شیطان، به‌عنوان موانع بقای امید حقیقی در راستای حفظ و ابقای این نوع امید در آدمی کوشیده است تا آدمی بتواند، خود، عامل افزایش امید خویش باشد. بنابراین توجه به قوانین و فضائل اخلاقی، هم سبب القای امید در آدمی، هم به غنی‌سازی و تحکیم آن کمک می‌نماید.

منابع و مأخذ

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، چاپ سوم.
۲. ابوفارس، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغه*، دمشق، مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. الله وردیخانی، علی، *سفر به کعبه جانان*، تهران، ایده‌پردازان فن و هنر، چاپ سوم.
۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، *مراحل اخلاق در قرآن*، قم، اسراء، چاپ پنجم.
۵. خرمشاهی، مسعود انصاری، بهاء‌الدین، ۱۳۷۶، *پیام پیامبر*، تهران، منفرد.
۶. دیلمی، شیخ حسن، ۱۳۷۶ ق، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، ترجمه سید عباس طباطبایی، قم، جامعه مدرسین، چاپ پنجم.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق بیروت، دار العلم الدار الشامیه.
۸. سید رضی، محمد بن حسین بن موسی موسوی بغدادی، ۱۴۱۴ ق، *نهج البلاغه*، قم، هجرت.

۹. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۱۰. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ ق، *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، مرتضوی، چاپ سوم.
۱۱. طبیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸ ق، *اطیب البیان*، تهران، اسلام، چاپ دوم.
۱۲. العسکری، ابوهلال، ۱۳۵۳ ق، *فروق فی اللغه*، ترجمه محمد علوی مقدم و ابراهیم الدسوقی، قم، مکتب بصیرتی.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، *العین*، قم، هجرت، چاپ دوم.
۱۴. کار، آلن، ۱۳۸۵، *روان شناسی مثبت*، ترجمه حسن پاشاشریفی، جعفر نجفی زند و باقر ثنایی، تهران، سخن.
۱۵. کلینی، بی تا، *الکافی*، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، اسلامی، چاپ اول.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، تهران، اسلامی.
۱۷. محدث عاملی، زین العابدین کاظمی خلخالی، ۱۳۸۰، *الجواهر السنیه - کلیات حدیث قدسی*، تهران، دهقان، چاپ سوم.
۱۸. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۹. معتمدی، غلامحسین، ۱۳۷۲، *انسان و مرگ*، درآمدی بر مرگ شناسی، تهران، مرکز.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۲۱. موسوی لاری، سید مجتبی، ۱۳۸۶، *رسالت اخلاق در تکامل انسان*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم.
۲۲. نجاتی، محمد عثمان، ۱۳۸۶، *قرآن و روان شناسی*، ترجمه عباس عرب، مشهد، آستان قدس، چاپ هفتم.

۱۱۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق، س ۴، پاییز ۹۰، ش ۱۳

۲۳. نراقی، محمد مهدی، ۱۳۸۳ ق، *جامع السعادات*، قم، دارالکتاب الاسلامیه.

۲۴. نیلی‌پور، مهدی، ۱۳۸۵، *بهشت اخلاق*، قم، مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر علیه السلام.

۲۵. هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۳، *فرهنگ قرآن: کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم*

قرآن کریم، ج ۴، قم، بوستان کتاب.

26. Hornby, A. S.a, 2003, *The Oxford advanced learner's dictionary of current Englisha*, Oxford universitya.